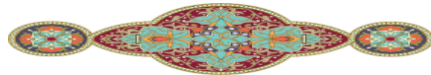


توکل

«لَمَّا سَأَلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ): التَّوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ دَرَجَاتٌ، مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتَ عَنْهُ رَاضِيًا تَعْلَمُ أَنَّ لَيْلًا لَوْ كُنْتَ خَيْرًا وَفَضْلًا وَتَعْلَمُ أَنَّ الْحُكْمَ فِي ذَلِكَ لَهُ فَيَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ بِتَفْوِضٍ ذَلِكَ إِلَيْهِ وَثِقَ بِهِ فِيهَا وَفِي غَيْرِهَا.»

در پاسخ به سؤال از آیه (وهر کس بر خدا توکل کند او برای وی بس است) فرمودند: توکل بر خدا در جاتی دارد: یکی از آنها این است که در تمام کارهایت به خدا توکل کنی و هر چه با تو کرد از او خوشنوداشی و بدانی که او نسبت به تو از بیچ خیر و تفضلی کوتاهی نمی کند و بدانی که درین باره حکم، حکم اوست. پس با و اگذاری کارهایت به خدا بر او توکل کن و در آن کارها و دیگر کارها به او اعتماد داشته باش.

کافی . امام کاظم (ع)



زند عالم سوز را با مصلحت بینی چه کار
کار ملک است آنکه تدبیر و تامل بیدش
تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافر است
راهرو کرد صد هنر دارد توکل بیدش

(حافظ)

اگر دعوی تو را حاصل آید نخست وکیل جویی، شرح دعوا با او گویی و با راهنمایی او، راه دادگاه پویی. سر و کار با او گذاری و خود راحت آرامی. چه بسا این وکیل در حق تو ستم نماید؛ در کارش لغزش و اشتباه باشد و از سوی دیگر تطمیع شود. در کار زندگی ات صد گره است و گره گشای اوست! گره به دست او ده و خود راحت بیارام که نه جهلش هست و نه لغزشش؛ نه خوابش بزد و نه ضعفش گیرد. کار بدو گذار و بر گوی: «حسبنا الله و نعم الوکیل» «بس است ما را خدا و چه خوب کار گزاری است {آل عمران آیة 168}» (تخلص ص 61)

وکیلان گاه حق تو ستانند و به دیگری سپارند و گاه حق دیگری گیرند و مر تو را دهند. آن وکیل را باش که نه بر من و تو، که بر همه وکیل است و حق هر کس بدو دهد. «وهو علی کل شیء وکیل» «و او کارگزار همه چیز است {انعام 103}» (جهان ص 61)

در توکل از دیگران بریدن مرحله اولی است اما از خود بریدن کاری دشوار است، بکوش تا هم از دیگران و هم از خود بریده باشی. (هدیه ص 78)

چون موانع را در راه فراوان بینی، چاره جز این نیست که تو را نیرویی باشد تا با آن بتوانی موانع را از پیش راه برداری و متأسفانه هیچ کدام از ما به تنهایی قادر به این عمل نیست و چون در این راه همه ضعیف هستیم چاره جز این نیست که از ذات قوی استمداد طلبیم و این است اصل توانمندی دل: «اصل القوه القلب التوکل علی الله» (ریشه نیرومندی دل توکل بر خداست (غزواتکم))

(جهان ص 153)

ای عزیز! متوکلین اراده ای چون کوه محکم و قوی دارند. چرا که اعتصام آنها به قادر متعال است که قدرتی در عالم جز قدرت او نیست. (جهان ص 154)

دوستی داشتم که می گفت: منزل ما در کنار خرابه ای متروک بود، یک شب زمستان که به منزل می رفتم دیدم در خرابه آتشی روشن

است، پیش تر رفته و دیدم مردی آن جا آتشی افروخته و به تهیه چای مشغول است. به من گفت: بفرمایید. گفتم: متشکرم و بعد که به منزل رفته به خانم گفتم: هوا بسیار سرد است، این مرد چگونه در این خرابه به سر می برد؛ کاش پوششی برای او می بردم. رفته و گفتم: هوا سرد است امشب را چگونه با این سرما می گذرانی؟ اگر می خواهی تا یک پتو برای تو بیاورم. گفت: خوش. و دیگر سخن نگفت و در سکوت فرو رفت. بنده از گفتار خود پشیمان شدم و با تصور این که او مردی کم خرد است به منزل باز گشتم، نیمه شب بارانی شدید باریدن گرفت و هوا طوفانی شد. خانم مرا بیدار کرد و گفت: به فریاد این مرد برس آن وقت که پتو را نپذیرفت از این هوای بارانی خبر نداشت برو و ببین اگر در همان شرایط است پتو را به او ده. من از بستر بیرون آمدم و با پتو به خرابه رفتم. دیدم منقل آتش را در کنار سقف فرسوده ای گذاشته و آن جا نشسته. حرف گذشته را تکرار کردم. باز گفت: خوش. و سر در گریبان فرو برد، این بار به دیوانگی او یقین پیدا کردم. بعد از نیمه شب بود که صدای مهیبی از خرابه برخاست، متوجه شدم که همان سقف فرسوده هم فرو ریخته و درویش در زیر خاک و گل مدفون گردید. صبح به خرابه رفتم دیدم حدسم درست است. شهرداری را خبر کردم که این سقف فرو ریخته و در زیر آن مردی فقیر است. مأمورین به کند و کاو پرداخته خاک ها را عقب زدند، به ناگاه متوجه شدم که یک سر تیر سقف پایین آمده و سر دیگر همان جا که درویش نشسته بود بر جای بود. گفتم: درویش! زنده ای؟ باز با لبخند گفت: خوش. به راستی که ما را از این احوال خبر نیست، اما بنده یقین دارم که بدون ایمان و توکل چنین حالتی نصیب احدی نمی شود و با عدم آن در کاخ ها و کنار ثروت ها جز پریشانی و وحشت و ترس و آشفتگی چیزی نیست. (فرااد جرس ص 194)

(سؤال از محضرات)

. توحید و توکل در ظاهر با بحث توسل به معصومین
مغایرت دارد، لطفاً بفرمایید باطن چیست؟

جواب

وقت بفرمایید که خداوند در قرآن می فرماید: «تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»

(سوره آل عمران آیه 159) مع ذلک می فرماید: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (بجویید به سوی او وسیله (سوره بقره آیه 35)) هر کدام نزدیک ترند، ما استغالی برای ائمه قائل نیستیم، بگفته خدا هستند اما بنده ای نسبت به دیگری مقرب تر است، چه ضرر دارد که شما به او بگویید: تو که در نزد پروردگارت مقرب تری یاری از من کن. تصور کن چتر بازی برای پرش از هوا یا ما با خدا توکل می کند ولی این توکل ایجاب نمی کند که وسیله که چتر اوست را رها کند. آمد در بیان عربی خدمت رسول خدا (ص) ایشان فرمودند: مرکب کجاست؟ گفت: بر خدا توکل کردم و او را رها نمودم، پیامبر (ص) فرمودند: برای شتر عقاب بند اما در بین بستن با خدا توکل کن.

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتریند

سؤال

.توکل یعنی چه؟

جواب

توکل یعنی برای وصول به اهداف بگوئیم نه. نشینم اما توفیق وصول به اهداف را از خدا نخواهیم چون هیچ کار جز به توفیق و تمایذ او به انجام نمی رسد.

﴿مناجات﴾

الهی! ای توکل آب حیوانت! ای رضایت باغ پر گل و ریحانت! ای یقین در راه

کمال احسانت! دل در جهان با تو خوش داریم، جز راه تو نپویم و بر آنیم که جز تو نجویم. ای

وجودت همه را کس! ای وجودت همه را بس! بر هر سفره که نشستم، صاحب خانه ام تو بودی؛
از هر که مهر یافتم، مهربان تو بودی؛ هر جادو و جان دادم، جانان تو بودی؛ هر که دست
یاری داد، یاری از تو بود و هر که به گوی هدایت کشید، هادی تو؛
الهی! دست اغیار از ما بدار! ما را با خود ناسر و کار، که تنها تویی دلدار.

(تجلی 2 ص 194)